



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

انتظار

و

عالم

سید مسعود ڈیور سید آقایی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عاشورا و انتظار

نویسنده:

سید مسعود پور سید آقایی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهاالسلام

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

| | |
|----|-----------------------------------|
| ۵ | فهرست |
| ۸ | عاشورا و انتظار |
| ۸ | مشخصات کتاب |
| ۸ | مقدمه |
| ۸ | پیوندها |
| ۹ | اشاره |
| ۹ | مهدی، فرزند حسین |
| ۹ | مهدی، خونخواه حسین |
| ۹ | یاد حسین، کلام نخستین مهدی |
| ۹ | یا لثارات الحسین، شعار یاران مهدی |
| ۹ | یاری حسین، یاری مهدی |
| ۹ | یکسانی القاب حسین و مهدی |
| ۱۰ | زیارت عاشورا |
| ۱۰ | روز عاشورا و یاد مهدی |
| ۱۰ | عاشورا روز ظهور مهدی |
| ۱۰ | میلاد حسین و یاد مهدی |
| ۱۰ | میلاد مهدی و یاد حسین |
| ۱۱ | شب قدر و یاد حسین |
| ۱۱ | حسین در کلام مهدی |
| ۱۱ | زیارت حسین و مهدی در عیدها |
| ۱۱ | کوفه، پایگاه مشترک حسین، مهدی |
| ۱۲ | فرشتگان یاور حسین، یاوران مهدی |
| ۱۲ | رجعت حسین در دولت مهدی |

- ۱۲ حسین در سوگ مهدی
- ۱۲ مهدی و زنده نگه داشتن یاد عاشورا
- ۱۲ مهدی و سفارش به زیارت عاشورا
- ۱۳ مهدی در سوگ حسین
- ۱۳ مصیبت حسین و تعجیل در فرج
- ۱۳ سختی مصیبت
- ۱۳ اصلاح‌گری
- ۱۳ بیعت نکردن با طاغوت
- ۱۳ آرزوی شهادت در رکاب حسین و مهدی
- ۱۴ تحلیل‌ها
- ۱۴ عاشورا، پشتوانه فرهنگی انتظار
- ۱۴ اشتراک در اهداف
- ۱۴ مشابهت در زمانه
- ۱۴ مشابهت در یاران
- ۱۵ ضرورت درگیری و نبرد
- ۱۵ منتظران مهدی، پرورش یافتگان مکتب عاشورا
- ۱۵ سختی و مشکلات راه
- ۱۵ پیوستن و جدا شدن یاران
- ۱۶ الهام‌پذیری هر دو فرهنگ
- ۱۶ زوال دولت‌های باطل
- ۱۶ تکیه بر سنت‌های الهی
- ۱۷ نقش زنان
- ۱۷ دشواری حفظ دین
- ۱۸ سازش‌ناپذیری

| | |
|----|---|
| ۱۸ | تلاش جهت جذب و نیروسازی |
| ۱۹ | انتظار |
| ۱۹ | طلب یاری |
| ۱۹ | تدبیر و مدیریت |
| ۱۹ | رہیافت‌ها |
| ۲۰ | اشاره |
| ۲۰ | تبیین فرهنگ عاشورا |
| ۲۰ | تبیین دین |
| ۲۰ | الگو سازی |
| ۲۰ | فرهنگ بسیج |
| ۲۱ | معرفت امام |
| ۲۱ | عزت |
| ۲۱ | تنش زدایی |
| ۲۱ | آمادگی |
| ۲۱ | جذب نیرو و تبلیغ |
| ۲۲ | اخلاق |
| ۲۲ | عنایت بیشتر به زنان |
| ۲۲ | پاورقی |
| ۲۶ | درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان |

عاشورا و انتظار

مشخصات کتاب

نویسنده: سید مسعود پور سید آقایی
ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

مهدی (عج)، ادامه حسین (ع) است و «انتظار» ادامه عاشورا و برآمده از آن. مهدی (عج)، فرزند حسین (ع) است و فرهنگ «انتظار» برآمده از فرهنگ «عاشورا» و انتظار حسین دیگری را کشیدن. این دو پیوندی دیرین و مستحکم با یکدیگر دارند. یکی پشتوانه فرهنگی و زمینه ساز، برای دیگری است؛ یکی رمز «حیات شیعیه» است و دیگری رمز «بقای آن»؛ یکی رمز «قیام و به پا خاستن شیعیه» است و دیگری عامل «حفظ و استمرار آن»؛ «مهدی» (ع) وارث عاشورا است؛ همچنان که «حسین» (ع) وارث پیامبران است؛ عاشورا، دریچه‌ای به «انتظار» است و انتظار، تجلی آرزوها و آمال کربلا؛ فرهنگ عاشورا، دستمایه اساسی و مایه شکوفایی و بالندگی منتظران مهدی (عج) در عصر انتظار است. پیوند «عاشورا و انتظار» و «حسین و مهدی»، پیوند «والد» و «ماولد» و «نور علی نور» است. انتظار، کربلایی دیگر است به وسعت همه جهان و مصاف حق و باطل است در زمانی دیگر؛ با این تفاوت که این بار، حق پیروز است و چهره باطل، برای همیشه دفن می‌شود. انتظار همان کربلا است در وسعت همه زمین و در مقطع دیگری از تاریخ. در این مقطع، فکرهای رشید از هر فرقه و ملتی، گلبانگ «دعوت مهدوی» را - که با ساخت و فطرت انسان‌ها همگون است - لیک می‌گویند. انتظار، ثمره کربلا است. بدون کربلا انتظار بی‌معنا است. یاران مهدی، همه کربلایی‌اند و در فراز و فرود تاریخ، غربال شده و آبدیده‌اند. مگر می‌توان بی‌عاشورا، انتظاری دیگر داشت؟ انتظار بی‌عاشورا، انتظار بی‌پشتوانه است. «عاشورا» انتظار برآورده نشده شیعیه است و «انتظار» عاشورای برآورده شده شیعیه. حرکتی جهانی و به وسعت آمال همه انسان‌های تاریخ، پشتوانه و عقبه‌ای می‌خواهد به استحکام کربلا که هرگز به سردی و خاموشی نگراید. [۱]. «انتظار» ادامه عاشورا، غدیر و بعثت است و «ظهور»، روز فرج و مخرج حسین [۲] و ثمره خون او که در شریان تاریخ به جوش آمده است. «انتظار» بشارتی است به حق، بر همه دردها و آلام شیعیه در کربلا و تاریخ. مهدی (عج)، همان کسی است که باری را که حسین (ع) در مسیر کوفه، در کربلا به زمین گذاشت؛ به کوفه می‌رساند. مهدی (ع) پرچم افتاده حسین (ع) را بر خواهد افراشت و آرمان‌های بلند او را تحقق خواهد بخشید. مهدی (ع)، بذری را که حسین (ع) در کربلا کاشت و دیگر امامان آن را بارور کردند و خودش در دوران غیبت به حراست آن همت گماشت، با دستان پرتوانش غرس خواهد کرد. «انتظار و عاشورا» دو بال پرواز شیعیه است؛ اگر این دو نبود، چشمه «غدیر» می‌خشکید. این پیوندهای روشن و گویا، از نگاه نامحرمان نیز مخفی نمانده تا آن جا که می‌گویند: شیعیه با دو نگاه همراه است: «نگاه سرخ» و «نگاه سبز»؛ عاشورا و ظهور، با الهام از یکی «انقلاب» می‌کند و با دیگری آن را «استمرار» می‌بخشد. [۳]. برای ما دور ماندگان از صحنه عاشورا، یک راه بیشتر نمانده و آن ثبت نام در کلاس «انتظار» و در آمدن در خیل «منتظران» است که حقیقت انتظار، همان در خیمه حسین (ع) بودن است. آنان که در کربلا - چکاچکک شمشیرها را نچشیدند، باید مرارت «انتظار» را به جان بخرند. «عاشورائیان»، پیمان خود را به آخر بردند و «مهدویان» با کوله‌بار فرهنگ شهادت، چشم انتظارند تا آن عهدی که با خدا و رسول بر پاسداری از حرم و حریم ثار الله بسته‌اند، به انجام برسانند: «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر» [۴].

پیوندها

اشاره

پیوند دو فرهنگ «عاشورا» و «انتظار» از دلایل و شواهد متعددی برخوردار است. در این جا ضمن بیان آنها، به تحلیل و رهیافت‌های برخاسته از آنها نیز خواهیم پرداخت. [۵].

مهدی، فرزند حسین

صدها روایت، در این باب وارد شده است که در آنها تأکید شده، امام مهدی (ع) نهمین فرزند حضرت حسین (ع) است: «قائم هذه الامه هو التاسع من ولدی». [۶].

مهدی، خونخواه حسین

در روایات متعددی، وارد شده است: «القائم منّا اذا قام طلب بئار الحسین»؛ [۷] «بهذا القائم انتقم منهم»؛ [۸] امام باقر (ع) در مورد آیه «و من قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل» [۹] می‌فرماید: مقصود از «من قتل مظلوماً»، حسین بن علی است که مظلوم کشته شد و ما اولیای او هستیم و قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون حسین (ع) بر می‌آید... مقتول حسین (ع) و ولی او قائم (عج) است. [۱۰].

یاد حسین، کلام نخستین مهدی

آن گاه که مهدی موعود ظهور کند، بین رکن و مقام می‌ایستد و چنین ندا می‌دهد: «الا- یا اهل العالم! انا الامام القائم؛ الا یا اهل العالم! انا الصمصام المنتقم؛ الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین قتلوه عطشاناً؛ الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین طرحوه عریاناً؛ الا یا اهل العالم! ان جدی الحسین سحقوه عدواناً». [۱۱].

یا لثارات الحسین، شعار یاران مهدی

فضل بن شاذان نقل می‌کند که شعار یاران مهدی «یا لثارات الحسین» (ای خونخواهان حسین) است: «انّ شعار اصحاب المهدی (عج) یا لثارات الحسین (ع)». [۱۲].

یاری حسین، یاری مهدی

حضرت سکینه (س) نقل می‌کند: امام حسین (ع) شبی در کربلا، خطاب به یاران خود فرمود: «... و قد قال جدی رسول الله (ص): ولدی حسین یقتل بطف کربلا غربیاً وحیداً عطشاناً فریداً. فمن نصره فقد نصرنی و نصر ولده الحجة و لو نصرنا بلسانه فهو فی حزبنا یوم القیامة؛ همانا جدم رسول خدا (ص) فرمود: فرزند من حسین در زمین کربلا، غریب و تنها، عطشان و بی کس، کشته می‌شود. کسی که او را یاری کند، مرا و فرزندش مهدی را یاری کرده است و هر کس به زبان خود، ما را یاری کند، فردای قیامت در حزب ما خواهد بود». [۱۳].

یکسانی القاب حسین و مهدی

القاب «ثار الله»، «الوتر الموتر» و «الطرید الشرید»، القاب مشترک حسین (ع) و مهدی (عج) است: «ولکن صاحب هذا الامر الطرید

الشريد الموتور بایه...» [۱۴]. «السلام عليك يا باب الله و السلام عليك يا ثار الله». [۱۵]. «المترب الخائف و الولي الناصح، سفینه النجاة... و الوتر الموتور». [۱۶].

زیارت عاشورا

زیارت عاشورا - که زیارت مخصوص امام حسین (ع) است - در دو قسمت، از خون خواهی حسین (ع) در رکاب امام مهدی (عج) خبر می‌دهد: «ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد (ص)» و «ان یرزقنی طلب ثاری [کم مع امام هدی ظاهر ناطق بالحق منکم]».

روز عاشورا و یاد مهدی

امام باقر (ع) می‌فرماید: یکدیگر را در روز عاشورا این گونه تعزیت دهید: «اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد (ع)؛ خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین (ع) بزرگ گرداند و ما و شما را، از کسانی قرار دهد که به همراه ولی‌اش، امام مهدی از آل محمد (ع)، طلب خون آن حضرت کرده، به خون خواهی او برخیزیم». [۱۷].

عاشورا روز ظهور مهدی

امام باقر (ع) می‌فرماید: «کائی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام و بین یدیه جبرئیل ینادی.... [۱۸]؛ گویا قائم را می‌بینم که روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می‌کند...» امام صادق (ع) نیز فرمود: «ان القائم صلوات الله علیه ینادی باسمه لیلۃ ثلاث و عشرين و یقوم یوم عاشوراء یوم قتل فیه الحسین بن علی [۱۹]؛ قائم - درود خدا بر او باد - در شب بیست و سوم ماه رمضان به نامش ندا می‌شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی در آن کشته شد، قیام خواهد کرد».

میلاد حسین و یاد مهدی

در توقیع مبارک امام عسکری (ع) برای قاسم بن علاء همدانی آمده است که: در روز تولد امام حسین (ع)، این دعا را بخوان: «اللهم انی اسئلك بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماء و من فیها و الارض و من علیها... المعوض من قتله ان الائمة من نسله و الشفاء فی تربته و الفوز معه فی اوبته و الأوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبتهم؛ خداوند! من تو را به مقام مولود این روز می‌خوانم. او پیش از آن که به دنیا چشم بگشاید و قبل از آن که تولد یابد، وعده و خبر شهادتش داده شد. آسمان و هر کس در آن بود و زمین و هر کس بر روی آن بود، بر او گریه کرد... او که در عوض شهادت او، ائمه از نسل او شدند و شفا در تربت او قرار داده شد، فوز و رستگاری با او، در روز رجوع و بازگشت او و بازگشت اوصیاء از خاندان او، بعد از قائم آنان و سپری شدن غیبت او می‌باشد». [۲۰].

میلاد مهدی و یاد حسین

شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان می‌نویسد: با فضیلت‌ترین اعمال شب نیمه شعبان - که باعث آمرزش گناهان است - زیارت امام حسین (ع) می‌باشد. هر که می‌خواهد، روح ۱۲۴ هزار پیامبر با او مصافحه کند، امام حسین (ع) را زیارت کند. اقل زیارت آن

حضرت آن است که به بالای بامی رود و به سمت راست و چپ نگاه کند؛ سپس سر به جانب آسمان بلند کند و حضرت را با این کلمات زیارت کند: «السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیک و رحمة الله و برکاته» در قسمت «زیارات» نیز می‌نویسد: احادیث بسیاری در فضیلت زیارت امام حسین (ع) در نیمه شعبان وارد شده است. و بس است در این باب آنچه که به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین (ع) و امام جعفر صادق (ع) وارد شده که: هر که بخواند با او ۱۲۴ هزار پیامبر، مصافحه کنند، زیارت کند قبر ابی عبدالله الحسین (ع) را در نیمه شعبان. به درستی که ملائکه و ارواح پیامبران، رخصت می‌طلبند و به زیارت آن حضرت می‌آیند. پس خوشا به حال آن که مصافحه کند با ایشان، و ایشان مصافحه کنند با او. پنج پیامبر اولوالعزم (نوح، ابراهیم، موسی و عیسی (ع) و محمد (ص)) نیز با ایشان‌اند. [۲۱].

شب قدر و یاد حسین

شب قدر، متعلق به امام زمان (ع) است و در این شب یکی از اعمال مستحبی، زیارت امام حسین (ع) است. شیخ عباس قمی می‌نویسد: «بدان که احادیث در فضیلت زیارت امام حسین (ع) در ماه مبارک رمضان - خصوصاً شب اول و نیمه و آخر آن و به خصوص شب قدر - بسیار است. از حضرت امام محمد تقی (ع) منقول است که هر که زیارت کند، امام حسین (ع) را در شب بیست و سوم ماه رمضان - و آن شبی است که امید است شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدر می‌شود - مصافحه کند با او روح ۱۲۴ هزار ملک و پیغمبر که همه رخصت می‌طلبند از خداوند در زیارت آن حضرت در این شب. از حضرت صادق (ع) مروی است: چون شب قدر می‌شود، منادی از آسمان هفتم از بطن عرش ندا می‌کند که حق تعالی هر کسی را که به زیارت قبر حسین (ع) آمده، آمرزید. و در روایت دیگر است که هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز بگذارد، نزد آن حضرت یا آنچه که میسر شود و از حق تعالی بهشت و پناه از آتش را بخواهد؛ خداوند به او بهشت و پناه از آتش را عطا فرماید. ابن قولویه از حضرت صادق (ع) روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین (ع) را در ماه رمضان و در راه زیارت بمیرد، حسابی نخواهد داشت و به او بگویند که بدون خوف و بیم داخل بهشت شو».

حسین در کلام مهدی

در دعای ندبه آمده است: «این الطالب بدم المقتول بکربلا» و «این الحسن، این الحسین و این ابناء الحسین». و در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه آمده است: «فلئن اخرتنی الدهور و عاقنی عن نصرک المقذور و لم اکن لمن حاربک محارباً و لمن نصب لک العداوة مناصباً فلأنئذ بئک صباحاً و مساءً و لآبکین لک بدل الدموع دماً؛ اگر زمانه مرا به تاخیر انداخت و مقدورات از یاریت بازم داشت و نتوانستم در رکاب تو با دشمنان بجنگم، ولی از بام تا شام در یاد تو سرشک غم از دیده می‌بارم و به جای اشک خون می‌گیرم». [۲۲].

زیارت حسین و مهدی در عیدها

در عیدهای اسلامی فطر، قربان و غدیر؛ زیارت این دو امام، وارد شده است. [۲۳].

کوفه، پایگاه مشترک حسین، مهدی

امام حسین (ع) از مکه به سمت کوفه رفت و حضرت مهدی (ع) از مکه به سوی کوفه خواهد رفت و مقر حکومت خود را در کوفه قرار خواهد داد؛ یعنی، راه نیمه سیدالشهدا (ع) را به پایان خواهد رساند. [۲۴].

فرشتگان یاور حسین، یاوران مهدی

شیخ صدوق از امام رضا (ع) نقل می‌کند: «و لقد نزل الی الارض من الملائکة اربعة آلاف لنصره فوجدوه قد قتل فهم عند قبره شعث عُبرُ الی ان یقوم القائم فیکونون من انصاره و شعائرهم یا لثاراتِ الحسین؛ [۲۵] به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین (ع) به زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین (ع) کشته شده است، از این رو، ژولیده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و همچنان هستند تا این که قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان یا لثارات الحسین است.»

رجعت حسین در دولت مهدی

امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: امام حسین (ع) شب عاشورا به اصحابش فرمود: «... فابشروا بالجنة، فوالله انما نمکث ماشاء الله تعالی بعد ما یجری علینا، ثم یخرجنا الله و ایاکم حین یظهر قائمنا فینتقم من الظالمین، و انا و انتم نشاهدکم فی السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النکال...؛ بشارت باد شما را به بهشت، به خدا قسم که بعد از آنچه بر ما جاری شود، مکث خواهیم کرد آن قدر که خدای تعالی خواسته باشد، پس بیرون می‌آورد ما و شما را در آن هنگامی که قائم ما ظاهر شود، پس انتقام خواهد کشید از ظالمان، و ما و شما مشاهده خواهیم کرد ایشان را در سلاسل و اغلال و گرفتار به انواع عذاب و نکال...» [۲۶]. و امام حسین (ع) در روز عاشورا، دوباره از «رجعت» خود سخن گفته، می‌فرماید: «من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و رجعت می‌کنم.» [۲۷].

حسین در سوگ مهدی

امام صادق (ع) درباره آیه شریفه «ثم ردنا لکم الکره علیهم» [۲۸] می‌فرماید: «مقصود زنده شدن دوباره امام حسین (ع) و هفتاد تن از اصحابش در عصر امام زمان است؛ در حالی که کلاه‌خودهایی طلائی بر سر دارند و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین (ع) را اطلاع می‌دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند.» امام صادق (ع) می‌فرماید: «حسین (ع) با اصحابش می‌آیند و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می‌کنند؛ چنان که همراه موسی (ع) هفتاد نفر فرستاده شدند. آن گاه حضرت قائم (ع) انگشتر را به وی می‌سپارد و امام حسین (ع) غسل و کفن، حنوط و دفن حضرت قائم را بر عهده می‌گیرد.» [۲۹].

مهدی و زنده نگه داشتن یاد عاشورا

در این باب، داستان‌های متعددی است که از میان آنها، داستان علامه بحر العلوم [۳۰]، گواه خوبی بر عشق و علاقه وافر حضرت حجت (ع) به عزاداری و زنده نگه داشتن یاد عاشورا و شهدای کربلا است.

مهدی و سفارش به زیارت عاشورا

محدث نوری (ره) حکایت سید رشتی را چنین نقل می‌کند که حضرت به سید دستور خواندن نافله (خصوصاً نافله شب)، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می‌دهد و بعد از آن می‌فرماید: شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله، نافله، شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا! و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه! [۳۱].

مهدی در سوگ حسین

علامه امینی (ره) در الغدیر [۳۲] می‌گوید: در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مجلسی قصیده ابن عرندس خوانده شود، موجب تشریف فرمایی حضرت بقیه الله - روحی له الفداه - به آن مجلس می‌شود. ما برای تیمن و تبرک چند بیت این قصیده را ذکر می‌کنیم. ایقتل ظمناً حسین بکربلا و فی کلّ عضو من انامله بحرو والدة الساقی علی الحوض فی غدٍ و فاطمة ماء الفرات لها مهر فوالهف نفسی للحسین و ما جنى علیه غداة الطف فی حربه الشمر

مصیبت حسین و تعجیل در فرج

صاحب مکیال المکارم می‌گوید: یکی از دوستان صالحم برایم نقل کرد که مولایمان حضرت حجت (ع) را در خواب دیدار کرده بود و حضرتش سخنی فرموده بود که مضمونش این است: «انی لادعوا لمؤمن یدکر مصیبة جدی الشهدید، ثم یدعو لی بتعجیل الفرّج و التّأیید؛ همانا من برای هر شیعه‌ای که مصیبت جد شهیدم را یاد کند و سپس برای تعجیل فرج و تأیید [امر من دعا کند، من [نیز] برای او دعا خواهم کرد». [۳۳].

سختی مصیبت

مصیبت حسین (ع) سخت‌ترین مصیبت‌ها است: «...فرزند تو به مصیبتی گرفتار می‌شود که مصیبت‌ها در کنار آن کوچک خواهد بود» [۳۴]. «لا- یوم کیومک یا ابا عبد الله» [۳۵]. مهدی (ع) نیز مصیبتش طولانی و محتش شدید است. او شاهد همه رنج‌ها و مصیبت‌هایی است که بر تمامی انسان‌ها و فرد فرد شیعیانش وارد می‌شود: «انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم...» [۳۶] ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم.»

اصلاح‌گری

امام حسین (ع) و مهدی (ع) دو اصلاح‌گر سترگ‌اند. حسین (ع) می‌گوید: «انما خرجت لطلب الاصلاح». در مورد مهدی نیز آمده است: «لیصلح الامة بعد فسادها [۳۷]؛ خداوند به وسیله حضرت مهدی (ع) این امت را پس از آن که تباه شده‌اند، اصلاح می‌کند.»

بیعت نکردن با طاغوت

امام حسین (ع) می‌فرماید: «لا والله لا اعطیکم اعطاء الذلیل و لا افتر فرار العبید؛ نه به خدا قسم دستم را از روی خواری و ذلت به شما ندهم و مانند بردگان فرار نمی‌کنم.» مهدی (ع) نیز بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارد. «ما منّا احدٌ الاّ و یقع فی عنقه بیعة لطاغیة زمانه الاّ القائم... لثلا یكون لاحد فی عنقه بیعة اذا خرج ذاک التاسع من ولد اخی الحسین؛ [۳۸] هر کدام از ما (اهل بیت (ع)) در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوت‌های زمان را (از روی تقیه) به عهده داریم، مگر قائم... تا هنگامی که قیام می‌کند بر گردنش بیعت حاکمی نباشد او نهمین فرزند برادرم حسین است.»

آرزوی شهادت در رکاب حسین و مهدی

دو آرزو در روایات ما مطلوب است؛ یکی بودن در کربلا و شهادت در رکاب حسین و دیگری فیض جهاد و شهادت در رکاب امام مهدی (ع): «یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً» [۳۹]. «اللهم انی اجدد له فی صبیحة یومی هذا... و اجعلنی من انصاره... و

المستشهدین بین یدیه... فاخرجنی من قبری مؤتزرأ کفنی شاهراً سیفی...» [۴۰].

تحلیل‌ها

عاشورا، پشتوانه فرهنگی انتظار

فرهنگ «عاشورا»، زمینه‌ساز فرهنگ «انتظار» است. «انتظار» ادامه عاشورا است و چشم به راه حسین دیگری نشستن در کربلایی به وسعت جهان. فرهنگ «عاشورا» آن چنان در روح انسان‌ها، رسوخ کرده و آتش عشقش، شراره‌ای در دل‌ها انداخته که بدون تردید، مؤثرترین و پایدارترین عنصر فرهنگ‌ساز، برای شیعیان و تمامی انسان‌های آزاده عالم است. به گفته امام راحل (ره): «ما هر چه داریم از محرم و صفر داریم».

اشتراک در اهداف

هدف مهدی (ع)، نجات انسان‌ها از بردگی فکری و برداشتن زنجیرهای اسارت از آنان است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «اذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛ هنگامی که قائم قیام کند، هر آینه باطل از بین می‌رود». [۴۱]. هدف امام حسین (ع) نیز در زیارت «اربعین» چنین بیان شده است: «و بذل مهجۀ فیک لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیره الضالة؛ خون خود را تقدیم تو کرد، تا انسان‌ها را از نادانی و گمراهی‌های بخشد». پس هدف هر دو، احیای دین و جلوگیری از انحطاط ارزش‌ها است.

مشابَهت در زمانه

حسین (ع) زمانه خود را چنین توصیف می‌کند: «الا ترون ان الحق لا يعمل به و ان الهوی لا یترک عنه؛ آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل خودداری نمی‌گردد»، [۴۲] «فان السنة قد امیتت و ان البدعة قد احييت؛ همانا در شرایطی هستیم که سنت پیامبر، از بین رفته و بدعت‌ها زنده شده است». «و علی الاسلام السلام اذا قد بليت الامه براع مثل یزید؛ اگر حاکم امت، فردی همچون یزید باشد، پس باید فاتحه اسلام را خواند». زمانه مهدی (ع) نیز چنین است: «يعطف الهوی علی الهدی، اذا عطفوا الهدی علی الهوی و يعطف الرأی علی القرآن، اذا عطفوا القرآن علی الرأی... و یحیی میت الكتاب والسنة؛ چون مهدی قیام کند، خواهش‌های نفسانی را به هدایت آسمانی، باز گرداند؛ پس از آنکه رستگاری را به هوای نفس باز گردانده باشند. آرا و افکار را پیرو قرآن کند، پس از آنکه قرآن را تابع رأی خود گردانده باشند... پس مهدی به شما نشان خواهد داد که روش عادلانه در حکومت، چگونه است و آنچه را که از کتاب و سنت متروک مانده، زنده خواهد ساخت». [۴۳]. زمانه مهدی (ع) و حسین (ع)، در انحراف فکری، فساد اجتماعی، رواج بی‌دینی و بدعت در سطح جهانی، مشابه یکدیگر است. مشابهت در زمانه، ابعاد متعددی دارد؛ از تبلیغات جبهه باطل گرفته تا حاکمیت خلفای جور و غربت دین در عرصه زندگی و جامعه. تبلیغات بنی‌امیه و معاویه علیه اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) [۴۴]، شباهت زیادی به تبلیغات کشورهای استکباری و صهیونیست‌ها، علیه ایران اسلامی دارد.

مشابَهت در یاران

یاران حسین (ع) بهترین یاران و فدایی او بودند. آنان از معرفت، محبت، اطاعت و تسلیم نسبت به امام خود و سبقت در اجرای خواسته‌ها و فرامین او برخوردارند و در عبادت، صداقت، اخلاص و شجاعت یگانه دوران بودند. یاران مهدی (ع) نیز چنین‌اند: «هم اطوع له من الامه لسیدها؛ آنها مطیع‌تر از کنیز نسبت به مولای خود هستند». [۴۵]. «کدادون جاحدون فی طاعته؛ [۴۶] یاران مهدی

(عج) در فرمانبرداری از حضرتش، بسیار کوشا و مصمم‌اند». «لهم یسبهم الاولون و لایدرکهم الآخرون؛ [۴۷] آنان [در شایستگی‌ها و امتیازات بر اوج رفیعی‌اند] نه از نسل‌های گذشته، کسی از آنان پیشی گرفته و نه از آیندگان، کسی به مقام والای آنان می‌رسد». «رهبان باللیل لیوث بالنهار، کأنَّ قلوبهم زبر الحدید؛ عابدان شب و شیران روزند، [در شجاعت قلوبشان همچون پاره‌های آهن است]». [۴۸].

ضرورت درگیری و نبرد

درگیری بین حق و باطل، ایمان و کفر، یک ضرورت است؛ چون حقیقت «ایمان»، حرکت و رویش و خصلت «کفر» ایستادگی و ماندگی است. ساده اندیشی است اگر گمان شود، مسائل و مشکلات، تنها با گفت‌وگو حل می‌شود. باید به فکر پس از گفت‌وگو هم بود که اگر زیر بار حق نرفتند و یا خواستند بر ظلم خود باقی بمانند، چه باید کرد؟ پس از گفت‌وگو و دو گروه شدن، مخاصمه و درگیری هم هست یا نه؟ «فاذا هم فریقان یختصمون...». [۴۹] به راستی آیا مشکل اسرائیل و فلسطین، با گفت‌وگو حل می‌شود؟ آیا آمریکا با گفت‌وگو حاضر است، از خوی استکباری خود دست بردارد؟ نبرد حسین (ع) و یزید، جنگ مهدی (ع) و مستکبران، نبرد حق و باطل است؛ یکی در محدوده کربلا و دیگری در وسعت همه زمین. امام باقر (ع) می‌فرماید: «لیس شأنه الا السیف؛ [۵۰] او فقط شمشیر را می‌شناسد». امام صادق (ع) می‌فرماید: «یکفون سیوفهم حتی یرضی الله عزوجل؛ [۵۱] یاران قائم شمشیرهای خویش را بر زمین نمی‌نهند تا این که خدای عزوجل راضی شود».

منتظران مهدی، پرورش یافتگان مکتب عاشورا

یاران مهدی (ع)، همه عاشورایی‌اند و در مکتب حسین (ع) پرورش یافته و بالیده‌اند. کسانی می‌توانند در رکاب مهدی (ع) باشند و امام حق را یاری رسانند که در مکتب «عاشورا» آبدیده شده و معیار جنگ و صلح را از او آموخته باشند که حسین (ع) خود معیار سلم و حرب و تولّ و تبرّ است.

سختی و مشکلات راه

امام صادق (ع) می‌فرماید: «قیام امام زمان (ع) نشانه‌هایی دارد». راوی پرسید: آنها چیستند؟ امام صادق (ع) فرمود: «ذلک قول الله عزوجل و لنبونکم بشیء من الخوف و الجوع [۵۲] لو قد خرج قائمنا، لم یکن الا العلق و العرق و القوم علی السروج؛ [۵۳] این سخن خداوند است که «شما را با گرسنگی و ترس آزمایش می‌کند؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خون است و عرق ریختن و سوار بر مرکب‌ها بودن در میدان‌های مبارزه».

پیوستن و جدا شدن یاران

به کاروان حسین (ع) کسانی پیوستند که امید پیوستنشان نبود، همچون زهیر و حرّ که یکی عثمانی بود و در صفین بر علیه علی (ع) شمشیر زده و دیگری فرمانده سپاه عمر سعد بود. و کسانی به بهانه‌های واهی نپیوستند، همچون طرمح بن عدی و یا پیوستند و جدا شدند و سعادت شهادت در کنار حسین (ع) را نداشتند؛ چه آنانی که در میانه راه جدا شدند و چه آنانی که در کربلا، از میدان معرکه گریختند. در مورد یاران مهدی (ع) نیز داریم: قال الصادق (ع): «اذا خرج القائم یخرج من هذا الامر من کان یری انه من اهله و دخل فیه شبه عبده الشمس والقمر؛ [۵۴] هنگامی که قائم قیام کند از امر [ولایت او] کسانی بیرون می‌روند که همواره چنین به نظر می‌رسید از یاران او باشند. و به امر [ولایت او] در می‌آیند آنانی که شبیه خورشید پرستان و ماه پرستانند.» در مورد یهودیان

جزیره‌العرب، نیز داریم که منتظر آمدن پیامبر بودند. اما وقتی آمد، به او کافر شدند. «فلما جائهم ما عرفوا كفروا به» [۵۵] از حسین نیز تقاضا کردند که بیاید و نامه‌ها نوشتند، اما هنگامی که آمد، به او پشت کردند و خون او را ریختند.

الهام‌پذیری هر دو فرهنگ

حسین (ع) با شهادت خود، پایه گذار فرهنگ شهادت شد و این فرهنگ، آن چنان در فرهنگ مسلمین ریشه دواند و در دلها جا باز کرد که به عنوان الگو، سرآغاز بسیاری از حرکتها و قیامهای حق طلبانه در سرزمین پهناور اسلامی بر علیه خلفا و حاکمان ستمگر، شد. در عراق؛ بصره و کوفه (سلیمان بن سرد، مختار، زید بن علی)، در حجاز؛ مدینه و مکه، در خراسان (یحیی بن زید). [۵۶] و هنوز هم همه عدالت خواهان و مردان تاریخ، می‌گویند باید پا جای پای حسین و شهدای کربلا گذاشت (گانندی). انتظار نیز به عنوان یکی از بزرگترین، قوی‌ترین و انگیزه‌سازترین آرمان‌های انسانی، نقش بی‌بدیلی در از بین بردن یأس و ناامیدی و پیروزی نهایی مظلومان بر مستکبران دارد «و نریدان نم‌ن... و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین». همچنان که می‌تواند به عنوان یک راهبرد اساسی و کلیدی در تمامی ابعاد سیاسی - اجتماعی، تربیتی و فکری یک جامعه تأثیر گذار باشد. از طرف دیگر منتظر ظهور مصلح، خود باید صالح باشد. امام صادق (ع) فرمود: «ان لنا دولة یجیء بها الله اذا شاء ثم قال: من سرّه ان یكون من اصحاب القائم (ع) فلیتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛ [۵۷] ما دولت و حکومتی داریم و خداوند، هر گاه بخواهد این دولت ظهور خواهد کرد و اگر کسی خوشحال و خشنود می‌شود که از یاران مهدی (ع) باشد؛ پس منتظر باشد و در حال انتظار، اهل ورع و اجتناب از گناهان و اهل محاسن و مکارم اخلاق باشد». «یخرج اناس من المشرق و یوطنون للمهدی سلطانه؛ گروهی از مشرق زمین به پا خاسته و زمینه ساز حکومت امام مهدی (ع) می‌شوند».

زوال دولت‌های باطل

حسین (ع)، با شهادت خود، باعث رسوایی و در نتیجه نابودی دولت بنی امیه شد. مهدی (ع) نیز با ظهور خود، باعث رسوایی و تزلزل تمامی دولت‌های مستکبر، خواهد شد: «اذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛ [۵۸] هنگامی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود». در دعای ندبه، ندا سر می‌دهیم: «این قاصم شوکه‌المعتدین؟ این هادم ابنیة الشرك و النفاق؟ این میبذ اهل الفسوق و العصیان و الطغیان؟...» [۵۹] کجا است درهم شکننده شوکت متجاوزان؟ کجا است ویران کننده بناهای شرک و نفاق؟ کجا است نابود کننده اهل نادرستی و عصیان و طغیان؟...». در روایات نیز آمده است: «و لایکون ملک الا للاسلام؛ [۶۰] در آن روز حکومتی جز حکومت اسلام، نخواهد بود». «یبلغ سلطانه المشرق و المغرب؛ [۶۱] دولت مهدی (عج) شرق و غرب جهان را فرا گیرد». «اذا قام القائم لایبقی ارض الا نودی فیها شهادة ان لا اله الا الله و ان محمداً رسول الله؛ [۶۲] هنگامی که مهدی (عج) قیام کند زمینی باقی نمی‌ماند مگر آن که گلبانگ توحید و رسالت پیامبر در آن بلند گردد».

تکیه بر سنت‌های الهی

سنت خداوند چنین است که تا تحولی در وجود انسان‌ها پدید نیاید، وضعیت جامعه و اجتماع آنان، دگرگون نخواهد شد: «ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم» [۶۳] و سنت‌های الهی تخلف‌ناپذیر است: «ولن تجد لسنة الله تبدیلاً». [۶۴]. ظهور مهدی (ع) زمینه‌های مردمی و عده و عده‌ای را می‌طلبد که باید فراهم شود و این به عهده ما است؛ گرچه اگر ما کاری نکنیم، ظلم فراگیر و باطل خود زمینه ساز عدالت و حق خواهد بود؛ چون باطل رفتنی است: «قل جاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً». [۶۵] البته این بدان معنا نیست که از امدادهای غیبی و معجزات استفاده نمی‌شود؛ بلکه امدادهای غیبی نیز از سنت‌های الهی است. و

فرآیند خاص خود را دارد. به شهادت قرآن، پس از به کار گرفتن تمامی استعدادها، تلاش‌ها، تحمل سختی‌ها و شداید و طلب و درخواست انسان‌ها، امداد و عنایت الهی فرا خواهد رسید: «ان تنصر الله ينصرکم» [۶۶] و «... ام حسبتم ان تدخلوا الجنة و لما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء والضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین آمنوا معه متی نصر الله الا ان نصر الله قریب» [۶۷]. از شرایط اساسی ظهور حضرت حجت زمینة‌های مردمی است: «ان المهدي لا یخرج حتی تقتل النفس الزکیة... فاتی الناس المهدي فرؤوه كما ترّف العروس». [۶۸]. «...أنه لا یخرج حتی لا یكون غائب احب الی الناس منه ممّا یلقون من الشر». [۶۹].

نقش زنان

نقش زنان، در هیچ حرکتی از حرکت‌های اسلامی و شیعی - از صدر اسلام تا کنون - به اهمیت و برجستگی نقش زن در قیام «عاشورا» نبوده است. «عاشورا» تنها صحنه‌ای است که در آن «زن»، در متن قرارداد و نه حاشیه و نقش زن شیعی در آن، پررنگ و پر حضور است و شاید یکی از رمزهای جاودانگی آن همین باشد. نقش «زینب»، این شیرزن در یادل کربلا و همسر و دختران امام حسین (ع) - به عنوان پیام‌آور و واقعه‌عاشورا - از جایگاه خاصی برخوردار است. نقش ام و هب، دلهم (زن زهیر)، طوعه، ماری [۷۰] و حتی زنان قبیله بنی همدان [۷۱]، غیر قابل کتمان است. مرحوم حاج شیخ ملاسلطان علی تبریزی - که از جمله عابدان و زاهدان بود - در عالم رؤیا خدمت امام زمان (ع) رسید و عرض کرد: آیا این که فرمودید: «فلأندبنک صباحاً و مساءً و لأبکین لک بدل الدموع دماً» صحیح است؟ فرمود: آری، صحیح است. عرض کردم: آن کدام مصیبت است که به جای اشک، خون گریه می‌کردید؟ آیا مصیبت حضرت علی اکبر است؟ حضرت فرمود: اگر علی اکبر هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست. - آیا مصیبت حضرت عباس است؟ - اگر عباس هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست. - آیا مصیبت حضرت سیدالشهدا (ع) است؟ - اگر سیدالشهدا (ع) هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست. - پس کدام مصیبت است؟ - مصیبت اسیری زینب. [۷۲]. در قیام حضرت مهدی (ع) نیز چنین است و زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. نقش زن در عصر ظهور، همچون نقش مدعیان امروز و طرفداران حقوق زن نیست که او را تا سرحد یک کالا و وسیله‌ای برای لذت‌طلبی و عیاشی تنزل داده‌اند. جابر بن یزید جعفی از امام باقر (ع) نقل می‌کند: و یجیء والله ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمکة علی غیر میعاد قرعاً کقرع الخریف؛ [۷۳] به خدا سوگند ۳۱۳ نفر می‌آیند که پنجاه تن از آنان زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی، در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد. ام سلمه نیز از پیامبر (ص) چنین روایت کرده است: «یعوذ عائذ من الحرم فیجتمع الناس الیه کالطیر الوارد المتفرقة حتی یجتمع الیه ثلاث مائة و اربعة عشر رجلاً فیهم نسوة فیظهر علی کل جبار و ابن جبار [۷۴]؛ در آن هنگام پناهنده‌ای به حرم امن الهی پناه می‌آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می‌برند به سوی او جمع می‌شوند تا این که در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد آمده که برخی از آنان زن می‌باشند که بر هر ستمگر و ستمگر زاده‌ای پیروز می‌شوند».

دشواری حفظ دین

در دوران امام حسین (ع) بر اساس بدعت‌های خلفا و تبلیغات بنی امیه، دین بی ارزش و بازار دنیا پر رونق بود: «الناس عبید الدنیا و الدین علی السنتهم ما درت معایشهم فاذا محصوا بالبلاء قلّ الدیانون؛ مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبان‌شان می‌باشد، مادامی که زندگی دنیای آنها تأمین شود. اما همین که در بوته امتحان قرار گرفتند، دین داران کم خواهند بود». [۷۵]. اگر نبود حسین (ع) - این خط روشن ولایت و وارث پیامبران - چراغ دین، آخرین کورسوهای خود را می‌زد. در عصر انتظار نیز حفظ دین، از سخت‌ترین کارها است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان لصاحب هذا الامر غیبة، المتمسک فیها بدینه کالخارط لشوک القتاد بیده - ثم اوماً ابو عبدالله (ع) بیده هكذا. قال: فایکم تمسک شوک القتاد - ثم اطوق ملئاً ثم قال: ان لصاحب هذا الامر غیبة فلیتق الله عبد عند غیبه»

و لیتمسک بدینه؛ [۷۶]. برای صاحب این امر (حضرت مهدی (ع)) غیبتی خواهد بود. هر کس در روزگار غیبت او دین خود را حفظ کند، مانند کسی است که تیغ‌های تیزگیاه قتاد را با دستش صاف و هموار سازد؛ سپس حضرت با دست [مبارک خویش اشاره فرمود که چگونه با دست، تیغ‌های قتاد را باید هموار ساخت. آنگاه افزود: کدام یک از شما تا به حال توانسته است، خارهای خنجرگونه قتاد را به دست بگیرد؟ سپس حضرت سر به زیر افکند و مدتی سکوت کرد؛ آن گاه افزود: برای صاحب این امر، غیبتی است که در روزگار دشوار غیبت، هر بنده خدایی باید تقوا پیشه کند و دینش را حفظ نماید». در روایتی دیگر، آمده است: «مَنْ ثَبَّتَ عَلِيَّ وَلَايَتَنَا فِي غِيْبَةِ قَائِمِنَا، اعطاه الله اجر الف شهيد مثل شهداء بدر و احد؛ [۷۷] کسی که در روزگار قائم ما، در امر ولایت ما ثابت قدم و استوار باقی بماند و نلغزد، چنان است که خداوند پاداش هزار شهید مانند شهدای جنگ‌های بدر و احد به آنان عطا می‌فرماید». امام باقر (ع) می‌فرماید: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُغِيبُ عَنْهُمْ إِمَامَهُمْ. فَيَأْتِيهِمُ لِلثَّابِتِينَ عَلِيٌّ أَمْرًا فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ؛ [۷۸] روزگاری بر مردم خواهد آمد که امام و پیشوای ایشان از [چشم آنان غایب و پنهان می‌گردد. پس خوشا بر احوال کسانی که در آن زمان (غیبت در امر ولایت) ثابت قدم و استوار می‌مانند». حضرت در ادامه، فضایل فراوانی برای کسانی که دین خود را حفظ می‌کنند، بیان می‌دارد که این فضایل زیاد، به جهت سنگینی و عظمت کار آنان است. پیامبر (ص) فرمود: «اللَّهُمَّ لَقْنِي اخوانِي، مرتين... لاحدهم اشدُّ بقیةً علی دینه من خرط القتاد فی اللیلة الظلماء او كالقابض علی جمرة الغضاء، اولئك مصابيح الدجی ینجیهم الله من كل فتنة غبراء مظلمة؛ [۷۹]. بارالها! مرا به دیدار برادرانم نایل گردان... هر یک از ایشان در پایداری و استواری در دین، از کسی که در دل تیره شب، شاخه پرتیغ گیاه قتاد را، با کف دست صاف و هموار می‌سازد، پایدارتر است؛ یا همانند کسی که صبورانه پاره آتشی را بر دست گیرد و در آن حال در دین خویش استوار باشد. آری، ایشان چراغ‌های هدایت [در شب تاریک و دیجور] هستند. خداوند ایشان را از هر فتنه تیره و تار رهایی می‌بخشد».

سازش ناپذیری

حسین (ع) در ردّ درخواست یزید بر بیعت، با قاطعیت می‌گوید: «مثلی لا یبایع مثله»؛ [۸۰] حضرت مهدی (ع) نیز با هیچ کس سر سازش ندارد. امام باقر و صادق علیهما السلام می‌فرمایند: «لیس شأنه الاّ السیف؛ او فقط شمشیر را می‌شناسد» [۸۱]، «یقتل اعداء الله حتی یرضی الله؛ دشمنان خدا را می‌کشد تا خدا راضی گردد». [۸۲].

تلاش جهت جذب و نیروسازی

حسین (ع)، مدام به فکر جذب نیرو و تربیت و سازندگی بود. و با نامه به شهرهای مختلف و سفرهای خود و با زندگی ساده و انفاق‌های خود، سعی در جذب و تألیف قلوب و تربیت و پرورش آنان داشت. او دو سال پیش از مردن معاویه، در «منا»، جمعی بالغ بر هزار نفر از صحابه و تابعان را گرد آورد و تمامی فضایل اهل بیت را به همراه ویژگی‌های دشمنان آنان، از قرآن بر آنان خواند. آن حضرت در دوره یزید، در سفر خود از مکه به کربلا، از سیاست جذب نیرو چشم‌پوشید و افرادی همچون زهیر و حرّ را جذب نمود. مهدی (ع) فرزند حسین (ع) نیز در میان ما و در حال تلاش و نیروسازی است و لحظه‌ای از این مهم غافل نیست: «ان یكون صاحبکم المظلوم، المجروح حقّه، صاحب هذا الامر یتردد بینهم و یمشی فی اسواقهم و یطأ فرشهم و لایعرفونه حتی یأذن الله له ان یعرفهم نفسه؛ [۸۳] صاحب این امر... در میان آنان راه می‌رود، در بازارهایشان رفت و آمد می‌کند. روی فرش‌هایشان گام برمی‌دارد؛ ولی او را نمی‌شناسند، مگر خداوند به او اجازه دهد تا خودش را به آنان معرفی کند. در جلد دوم موسوعه امام مهدی (تألیف شهید محمد صدر) داستان‌هایی شنیدنی و موثق در این باره آمده است.

انتظار

پیامبر (ص) از خیلی پیش ترها، خبر شهادت امام حسین (ع) را داده بود. امام علی (ع) نیز می‌فرمود: «هیئنا مناخ رکاب و مصارع عشاق». این اخبار تا آن جا بود که کسانی، از مدت‌ها پیش در منطقه کربلا اقامت گزیده و منتظر یاری فرزند رسول خدا بودند و سرانجام به آرزوی خود رسیدند. [۸۴]. پیامبر (ص) و تمامی ائمه (ع)، بشارت ظهور مهدی (ع) و دولت کریمه او را داده‌اند و باید منتظر بود که: «افضل الاعمال انتظار الفرج».

طلب یاری

فریاد استنصار و طلب یاری حسین (ع)، هنوز هم از رواق تاریخ به گوش می‌رسد: «هل من ناصر ینصرنی؛ هل من مغیث یغیثنا؛ هل من ذاب یدب عن حرم رسول الله». فریاد استنصار مهدی (ع)، نیز همواره بلند است. آیا کسی هست که مهدی آل محمد را یاری کند؟ آیا کسی هست عشق مرا در دل‌ها زنده کند؟ و انسان‌های بریده از مرا، با من پیوند زند؟ می‌گویند با شنیدن فریاد «هل من ناصر حسینی»، گهواره علی اصغر تکان خورد! آیا با شنیدن «هل من ناصر مهدوی» نیز، دلی هست که بلرزد و با امامش عهد و پیمانی ببندد و به کمک او برخیزد؟ آن هم در این عصر و انفسا؟! «او در روز ظهور خود به دیوار کعبه تکیه داده بانگ بر می‌دارد: «ای مردم! ما از خداوند یاری می‌جوییم. هر که می‌خواهد ما را اجابت کند... از شما می‌خواهم که به حق خدا و به حق رسول خدا و به حق خودم بر شما - که حق قرابت رسول‌الله (ص) می‌باشد - ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ظلم می‌کنند، از ما بازدارید که ما را ترسانده و بر ما ظلم کرده‌اند. از شهر و فرزندانمان جدا کرده، بر ما ستم روا داشتند و شوریدند. اهل باطل حقان را گرفته، بر ما افترا بستند. خدا را درباره ما در نظر آورید! ما را تنها نگذاشته، خوارمان نکنید. یاریمان کنید که خداوند شما را یاری می‌کند». [۸۵].

تدبیر و مدیریت

مدیریت حسین (ع)، مدیریتی بی‌نظیر است. این که جماعتی اندک در برابر سپاهی سی هزار نفری، از پگاه صبح تا هنگام عصر مقاومت کنند؛ حکایت از مدیریت عالی و تدبیر بلند حسین (ع) دارد. او با تشکیل میمنه و میسره و علمدار و قرار گرفتن خود در قلب سپاه، به عنوان فرمانده و قرار دادن خیمه‌ها در جایگاهی مناسب - به طوری که پشت آن نهی خشک شده باشد - و ریختن نی و هیزم در آن و آتش زدن آنها در فرصتی مناسب و خیمه‌ها را در کنار هم بستن و... به طوری که دشمن نتواند آنها را محاصره کند و تنها از روبه‌رو با آنها بجنگد، نشان داد که از تدبیر و مدیریتی بی‌نظیر برخوردار است. امام با تسلطی شگرف تمامی صحنه‌ها را زیر نظر داشت و هم‌چون یک فرمانده پیروز تا آخرین لحظه، ذره‌ای ترس و واهمه به خود راه نداد. او در شب عاشورا از تمام منطقه نبرد، بازدید کرد و با گفت‌وگویی با اصحاب و اهل حرم همه آنان را به آمادگی و وسعت رسانید و خود و اهل بیت و اصحابش، با عبادت و دعا شب را به صبح رساندند. کسانی که صبح پرکاری دارند، باید شب‌ها را به پا خیزند و با خالق خود به راز و نیاز بپردازند. «یا ایها المزمّل قم اللیل... إن لک فی النهار سباً طویلاً» [۸۶]. مهدی (ع) نیز در مدیریت و تدبیر، هم‌چون جد بزرگوار خود حسین (ع) است. تشکیل یک حکومت جهانی و اداره همه انسان‌ها مدیریتی می‌خواهد سترگ، به عظمت سینه مهدی (ع) که: آله الریاسة سعة الصدر.

رهیافت‌ها

اشاره

با پیوندها به تحلیل می‌رسیم و با تحلیل‌ها به رهیافت‌ها. هر کدام از تحلیل‌ها، می‌تواند پیام آور رهیافت یا رهیافت‌هایی باشد. آن جا که یوسف (ع) با خواب عزیز مصر، به دو برنامه هفت ساله می‌رسد و مصر را از قحطی و گرسنگی نجات می‌دهد. چرا نتوان با این همه پیوند و تحلیل، به رهیافت‌ها و در نتیجه به برنامه‌ریزی و موضع‌گیری مناسب رسید؟! این رهیافت‌ها (هم چون سیره تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی آن حضرت)، می‌تواند اساس برنامه‌ریزی‌های راهبردی و کلان جامعه منتظر و حکومت دینی باشد.

تبیین فرهنگ عاشورا

اگر «عاشورا» پشتوانه فرهنگی «انتظار» است؛ پس در جهت تبیین حرکت عاشورا و نیز برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم عاشورا و معرفی اسوه‌های جاویدان آن، باید تلاش دو چندان کرد. خیلی فرق است بین این که به «عاشورا»، به عنوان پشتوانه و عقبه فرهنگی و الهام‌پذیر انتظار نگاه شود؛ یا یک سنت برخاسته از عواطف و احساسات قومی. رسانه‌های عمومی - به خصوص صدا و سیما - حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی، نقشی حیاتی و اساسی در غنا بخشیدن به این فرهنگ دارند. «کربلا» دانشگاه بزرگی است با کلاس‌ها و درس‌های بسیار. ابعاد و آموزه‌های این دانشگاه بزرگ، هنوز هم بر بسیاری پوشیده است. باید در این دریای عمیق گسترده پر بار، غواصانی ماهر و زبردست، به صید پردازند تا لؤلؤها و مرواریدهای گران‌بهای آن را به چنگ آورده، در اختیار خواستاران و خریداران قرار دهند. هنوز هم این حرکت عظیم و منشور بی‌نهایت، زوایای پنهان و ابعاد گسترده‌ای دارد که تنها بر عاشقان رخ می‌نماید. این گزال گریز پا در کمنده هر کس نمی‌افتد! پرورش یافتگان مکتب مهدوی، امام حسین (ع) را به عنوان معیار «سلم و حرب» و منشأ «الهام‌پذیری» می‌دانند. باید این معیار برای همگان به خوبی تبیین شود.

تبیین دین

عصر حسین (ع)، عصر غربت دین بود و عصر انتظار نیز چنین است. قیام حسین و فرزندش مهدی (ع) برای احیای دین است. منتظر مهدی، باید از دین و ضرورت، قلمرو، و زبان آن و... تحلیلی عمیق داشته باشد؛ تا در این عصر - که عصر شبهات و فتنه‌ها است - بتواند زمینه ساز حرکت مهدی (عج) باشد.

الگو سازی

حسین (ع) و یارانش الگوی منتظرانند؛ از این رو باید در مبانی فکری و ویژگی‌های رفتاری و تربیتی آنان، درنگی شایسته کرد.

فرهنگ بسیج

ضرورت درگیری و نبرد، بایستگی «فرهنگ بسیج» را به عنوان یک راهبرد اساسی، فراوی حکومت دینی قرار می‌دهد. تقویت این نهاد مقدس، زمینه‌سازی برای ظهور است. باید از کسانی که در هشت سال دفاع مقدس، از نبرد نه‌راسیدند و سختی‌ها و مشکلات راه را به جان خریدند، تجلیل کرد و سینما و ادبیات دفاع مقدس را - نه به عنوان یک ترفن - که به عنوان یک ضرورت و هدف راهبردی نظام، پی گرفت. بسیج برخاسته از فرهنگ جبهه و شهادت است. و به گفته امام راحل «مدرسه عشق است». این رهیافت شاخصه و معیار اساسی در انتخاب مسئولان و کارگزاران است. ترویج این فرهنگ و نهادینه کردن آن، باعث می‌شود که هر کس

تکلیف خود را با مهدی (ع) روشن کند؛ تا در اوج نبرد با اسبی که در خیمه مخفی کرده، فرار نکند و مهدی (ع) را همچون حسین (ع) تنها نگذارد.

معرفت امام

کسانی می‌توانند شعار خود را «یا لثارات الحسین» قرار دهند که به مقام «ابوت با امام» رسیده باشند تا بتوانند خونخواه او باشند؛ این ممکن نیست مگر با معرفت به حق امام (ع). شعار «یا لثارات الحسین» فقط یک شعار برخاسته از عواطف و عصبیت‌های قومی و نژادی نیست؛ بلکه برخاسته از معرفت به «حق ولایت امام» است. این معرفت، معرفت به حسب و نسب و فضایل آنان نیست؛ بلکه عرفان به حق ولایت آنان است. «الست اولی بکم من انفسکم» و «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم». آنان از ما به ما آگاه‌تر و مهربان‌ترند و از همه کشتش‌های نفسانی آزادند. این شعار، شعار کسانی است که در تولد دوم [۸۷] خود، رسول و امام را به ابوت برگزیدند و با درک اضطرار به وحی و حجت، از همه تقلیدها، تلقین‌ها، هوس‌ها، غریزه‌ها و... جدا شدند و در این تولد دوباره، رسول و امام را به عنوان مربی خود انتخاب کردند که: «انا و علی ابوا هذه الامة». این درک از امام و این آگاهی از حق ولایت ایشان، ما را به مقام ابوت و در نتیجه خونخواهی آنان می‌رساند؛ آن هم نه پدر جسمانی من که پدر روحانی، مربی، هادی و پیشوای من؛ آن هم پدری که «مصباح»، «سفینه» [۸۸]، «میزان» [۸۹]، «وارث» [۹۰]، «امین» [۹۱] و «اسوه» [۹۲] است و سبب سعادت و رستگاری [۹۳]، امنیت، حفظ، نجات [۹۴]، عزت، قبولی اعمال [۹۵] من و... است. این نگاه به امام و آگاهی از شئون و آثار ولایت آنان، ثمرات و بارهای زیادی با خود دارد و فاصله گرفتن از آن، ضررهای جبران‌ناپذیری با خود به همراه دارد. از گام‌های اساسی تمامی مراکز فرهنگی و آموزشی، تبیین دقیق این معنا از امامت - به عنوان رکن رکن اعتقادی انقلاب - است.

عزت

«عزت»، اساس حرکت حسینی و مهدوی است و می‌تواند اساس سیاست راهبردی حکومت دینی در سطح روابط بین‌المللی باشد. حکومت دینی - به عنوان زمینه ساز دولت کریمه مهدوی - از هرگونه رابطه و مذاکره‌ای که شائبه ذلت داشته باشد، پرهیز می‌کند. منتظر «دولت عزیز» (تعز بها الاسلام و اهله) [۹۶]، خود باید عزیز باشد. حسین (ع) هم می‌فرمود: «هیئات منّا الذلّة».

تنش زدایی

حسین (ع) آغازکننده جنگ نبود - گرچه دشمن در تیررس او بود - چرا که درگیری، پس از تبیین و اتمام حجت است؛ آن هم پس از آن که دشمن آغازکننده باشد. منتظران مهدی نیز دو سیاست «عزت» و «تنش زدایی» را با هم دارند.

آمادگی

ضرورت درگیری و نبرد، بایستگی آمادگی و تجهیز را با خود دارد. باید از الان به فکر عده و عده بود و با تهیه نیرو و اسلحه، در اندیشه روز مصاف حق و باطل بود تا این بار وعده خداوند به دست منتظران تحقق یابد. آمادگی برای نبرد نهایی، از مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی حکومت‌های دینی است.

جذب نیرو و تبلیغ

آن جا که حسین (ع) و مهدی (ع) از جذب نیرو و تبلیغ دین دست نمی‌کشند؛ تکلیف منتظران و پیروان آنان مشخص است. جذب

نیرو و تبلیغ در سطح داخلی و خارجی، از تکالیف عمده حکومت‌های دینی، به عنوان زمینه سازان دولت کریمه مهدوی است.

اخلاق

فریاد «هل من ناصر» حسینی و مهدوی، همواره به گوش می‌رسد باید این فریاد را پاسخ گفت؛ اما چگونه؟ امیرالمؤمنین (ع) و امام صادق (ع) این چگونگی را پاسخ می‌دهند: «اعینونی بورع واجتهاد و عفة و سداد [۹۷]؛ با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید». «من سزه ان یكون من اصحاب القائم فلیتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر [۹۸]؛ کسی که دوست دارد، از یاران قائم باشد؛ باید منتظر باشد و در همان حال، از گناهان اجتناب ورزد و خود را به اخلاق نیکو بیاراید.» ترویج اخلاق و فضایل اخلاقی، به عنوان راهبردی اساسی در حکومت دینی مطرح است. این سیاست کلان و راهبردی به همراه راه کارهای اجرایی آن می‌تواند به عنوان یک هدف و معیاری برای نقد تمامی ارگان‌های فرهنگی و آموزشی - تبلیغی باشد.

عنایت بیشتر به زنان

با توجه به نقش زنان در قیام مهدی (ع) و حضور آنان در دولت کریمه، باید برای رشد، اعتلا و بالندگی این قشر مهم و مظلوم در طول تاریخ، سرمایه گذاری جدی صورت گیرد. به نظر می‌رسد تاکنون آن گونه که شایسته و در خور منزلت زنان است، کاری بایسته برای آنان صورت نگرفته است. هنوز در سطح حوزه‌ها، مراکز علمی - فرهنگی و مدیریت‌های میانی و کلان جامعه، نقش زن در حاشیه است. باید برای تربیت و تحصیل زنان، سرمایه گذاری‌های اساسی صورت گیرد. غفلت از این نگاه راهبردی، ضرر و زیان‌های جبران ناپذیری به انقلاب اسلامی وارد ساخته است. از این رو تلاش دو چندان و عزمی جزم، جهت جبران این ضایعه، می‌طلبد.

پاورقی

[۱] پیامبر (ص) می‌فرماید: «ان لقتل الحسین حراره فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابداً». مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، ب ۴۹ ابواب المزار، ح ۱۳.

[۲] «فاجعل لنا من امرنا فرجاً و مخرجاً یا ارحم الراحمین» دعای امام حسین (ع). پیامبر در جای دیگر می‌فرماید: «ان للحسین فی بواطن المومنین معرفه مکتومه» بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. امام صادق (ع) نیز فرموده است: «من اراد الله به الخیر قذف فی قلبه حبّ الحسین و حبّ زیارته و من اراد الله به السوء قذف فی قلبه بغض الحسین و بغض زیارته» کامل الزیارات، ص ۱۴۳.

[۳] ر.ک: مجله موعود، دکتر بلخاری، شماره‌های ۲۶ و ۲۵.

[۴] احزاب (۳۳)، آیه ۲۳.

[۵] به برخی از این پیوندها در شماره قبلی همین مجله در مقاله «حسین (ع) و مهدی (ع)» اشاره شده است.

[۶] ر.ک: منتخب الاثر، ص ۱۴۰ - ۱۳۹ و ۲۵۴ - ۲۶۴.

[۷] بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

[۸] دلایل الامامه، طبری، ص ۲۳۹.

[۹] اسراء (۱۷)، آیه ۳۳.]

[۱۰] تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱۹.

[۱۱] الزام الناصب فی اثبات الحجّه الغائب، یزدی حائری‌پور، ج ۲، ص ۲۸۲.

- [۱۲] النجم الثاقب، ص ۴۶۹ و نیز ر.ک: مستدرک الوسائل، ج ۱، پ ۴۷، «به نقل از امام صادق (ع)».
- [۱۳] معالی السبطين، ج ۱، ص ۲۰۸؛ رياض القدس، ج ۱، ص ۲۶۳؛ وقایع الايام خیابانی، ص ۲۸۴؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۸ (به نقل از سحاب رحمت، ص ۳۴۳).
- [۱۴] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸.
- [۱۵] مصباح الزائر، سید بن طاووس، به نقل از ربیع الانام فی ادعیه خیر الانام، ص ۳۶۷.
- [۱۶] مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (عج).
- [۱۷] مصباح المتعبد، مفاتیح الجنان.
- [۱۸] الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۷۴.
- [۱۹] همان.
- [۲۰] مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۸۲ و نیز ر.ک: حماسه عاشورا به بیان حضرت مهدی، ص ۱۱۵.
- [۲۱] مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۸۳.
- [۲۲] بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. البته چنانچه دعای ندبه از جانب امام زمان (ع) باشد.
- [۲۳] ر.ک: مفاتیح الجنان، در اعمال هر یک از این روزها.
- [۲۴] مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۷۸.
- [۲۵] امالی صدوق، مجلس ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.
- [۲۶] گزیده کفایه المهدی، ص ۱۰۵ و ۱۰۶، ح ۱۹.
- [۲۷] بحار الانوار ج ۵۳، ص ۶۲؛ ایقاظ، ص ۳۵۲؛ فوز اکبر، ص ۳۶.
- [۲۸] اسراء، ۶.
- [۲۹] ایقاظ، ص ۳۶۸.
- [۳۰] ر.ک: مجله انتظار، شماره ۲، ص ۱۸۸ و نیز ر.ک: صالحان صالح، ص ۱۸۷ و خلاصه العبقری الحسان، صص ۳۴، ۱۱۰، ۱۸۷، ۲۱۹، ۲۴۲ و پادشه خوبان و سوگمندان ولایی.
- [۳۱] النجم الثاقب، ص ۶۰، مفاتیح الجنان بعد از زیارت جامع.
- [۳۲] الغدير، ج ۷، ص ۱۴.
- [۳۳] مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶.
- [۳۴] بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۵، به نقل از مکیال المکارم.
- [۳۵] همان، ج ۴۵، ص ۱۸.
- [۳۶] احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.
- [۳۷] بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۳ (به نقل از رسول اکرم (ص)).
- [۳۸] بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و نیز ر.ک: همان، ص ۱۳۵ و کمال الدین، ص ۴۸۰.
- [۳۹] مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین (ع).
- [۴۰] همان، دعای عهد.
- [۴۱] کافی، ج ۸، ص ۲۷۸.
- [۴۲] تحف العقول، ص ۲۴۵.

[۴۳] نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

[۴۴] تبلیغات بنی‌امیه تا آن جا بود که مردم شام، بنی‌امیه را اهل بیت پیامبر می‌دانستند. عبدالله بن علی وقتی از شام برگشت، گفت: انهم ما علموا لرسول الله قرابه و لاهل بیت یرثونه غیر بنی‌امیه. مسعودی نیز در مروج الذهب (ج ۳، ص ۴۴) نقل می‌کند: «از یکی از بزرگان اهل شام که اهل رأی و عقل بود سؤال شد: ابوتراب کیست که این خطیب او را لعن می‌کند؟ جواب داد: من فکر می‌کنم یکی از دزدان فتنه‌انگیز باشد. ابن‌ابی‌الحدید، از امام باقر (ع) نقل می‌کند: سخت‌ترین زمان برای شیعیان ما زمان معاویه بود که در هر شهری آنها را می‌یافتند به قتل می‌رساندند و دست و پای آنها را می‌بریدند تا در زمان حاکمیت عبیدالله بن زیاد و حجاج در کوفه که مردم بیشتر دوست داشتند به آنها کافر و زندیق بگویند تا شیعه علی (ع). (زمینه‌های قیام امام حسین (ع)، ص ۲۵۰).

[۴۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

[۴۶] همان، ص ۳۱۱.

[۴۷] معجم احادیث الامام المهدي (ع)، ج ۳، ص ۱۰۰ (به نقل از مستدرک حاکم، ج ۴، ۵۴).

[۴۸] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

[۴۹] نمل (۲۷)، آیه ۴۵.

[۵۰] الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۳.

[۵۱] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷.

[۵۲] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۹۴.

[۵۳] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۵۹ (امام رضا (ع)).

[۵۴] الغیبه نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

[۵۵] بقره (۲)، آیه ۸۹.

[۵۶] ر.ک: پیامدهای عاشورا، سید ابوالفضل اردکانی.

[۵۷] منتخب الاثر، ص ۴۹۷، فصل ۱۰، باب ۲، ح ۹.

[۵۸] کافی، ج ۸، ص ۳۸ (امام باقر (ع)).

[۵۹] دعای ندبه.

[۶۰] الملاحم و الفتن، ج ۲، ص ۶۶.

[۶۱] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱ (امام باقر (ع)).

[۶۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰ (امام صادق (ع)).

[۶۳] رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

[۶۴] احزاب، ۶۲.

[۶۵] اسراء، ۸۱.

[۶۶] محمد (۴۷)، آیه ۷.

[۶۷] بقره (۲)، آیه ۲۱۴.

[۶۸] معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۴۷۸؛ الملاحم و الفتن، سید ابن طاووس ص ۱۳۹، ب ۶۳.

[۶۹] عقد الدرر، ص ۹۴.

[۷۰] وی اهل بصره و خانه‌اش، کانون شیعیان امام علی (ع) بود. از آن کانون تنی چند به یاری حسین (ع) شتافتند و شهید شدند؛

گرچه خود وی نیامد.

[۷۱] پس از مردن یزید، برخی از بزرگان و اشراف کوفه تصمیم گرفتند عمرسعد را به عنوان امیر خود برگزینند. زنان قبیله بنی‌همدان تا این خبر را شنیدند، هلهله کنان داخل مسجد شدند و از این کار ممانعت کردند. آنان می‌گفتند شما می‌خواهید کسی را حاکم کنید که فرزند رسول خدا را به شهادت رسانده است؟.

[۷۲] العبقری الحسان، ج ۱، ص ۹۸.

[۷۳] بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

[۷۴] مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵؛ معجم احادیث الامام المهدي، ج ۱، ص ۵۰۰.

[۷۵] تحف العقول، ص ۲۴۹؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

[۷۶] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

[۷۷] همان، ج ۵۳، ص ۱۳۵.

[۷۸] همان.

[۷۹] همان، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

[۸۰] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵.

[۸۱] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

[۸۲] الغیبه شیخ طوسی، ص ۳۲.

[۸۳] الغیبه نعمانی، ص ۸۴ و نیز ر.ک: همان، ص ۷۲.

[۸۴] ر.ک: تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۲۱۶ و نیز ر.ک: ص ۲۲۴.

[۸۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

[۸۶] مزمل (۷۳)، آیات ۱ - ۵.

[۸۷] «لن یلج فی ملکوت السماء من لا یولد مرتین» (از کلمات حضرت مسیح (ع)). به ملکوت آسمان راه نمی‌یابد؛ مگر کسی که دو بار متولد شود. تولد اول ما در مُلک است و در این تولد پدر ما همان پدر شناسنامه‌ای ما است. با تولد دوم و در آمدن از شکم غریزه‌ها و تقلیدها می‌توان به ملکوت آسمان راه یافت و در این تولد رسول و علی پدر ما و مربی ما هستند.

[۸۸] «ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاه».

[۸۹] «علیّ میزان الاعمال».

[۹۰] اشاره به زیارت وارث که ائمه (ع) وارث فرهنگ وحی‌اند و از آن پاسداری کرده و آن را از دستبرد حوادث حفظ می‌کنند.

[۹۱] اشاره به زیارت امین الله.

[۹۲] «لکم فی اسوه». از سخنان امام حسین (ع).

[۹۳] «و فاز الفائزون بولایتکم» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

[۹۴] «ولایه علی بن ابی طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی».

[۹۵] «بمواالاتکم تقبل الطاعة المفترضة» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

[۹۶] مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

[۹۷] نهج البلاغه، نامه ۴۵.

[۹۸] منتخب الاثر، ص ۴۹۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبها: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکنند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

